

## سنتهای اجتماعی در قرآن کریم

پدیدآورنده (ها) : حامد مقدم، احمد

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: تابستان ۱۳۶۵ - شماره ۱۱ (ISC)

صفحات : از ۲۷ تا ۴۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58500>

تاریخ داندود : ۱۴۰۵/۰۱/۱۹

**کاربر گرامی، فایل داندود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.**

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- عدالت اجتماعی در سیاست داخلی دولت اسلامی از منظر قرآن کریم
- قرآن کریم (اندیشه های فرهنگی سیاسی و اجتماعی): مهندسی فرهنگی (اتحاد و انسجام اسلامی) در مکتب قرآنی فاطمه زهرا (س)
- مسئولیت پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان
- فطرت توحیدی مبنای تبزی در روابط اجتماعی از منظر قرآن کریم
- نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی
- ضرورت تعامل، مشارکت و برابری عادلانه زن و مرد در زندگی اجتماعی از منظر قرآن کریم؛ مطالعه موردی: جنت، زمین و رستاخیز
- بررسی مسائل اقتصادی در روابط اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم و تأثیر آن بر پیشرفت زندگی انسانی
- پژوهشی در تفسیر اجتماعی قرآن کریم
- درآمدی بر مفهوم تغییرات اجتماعی در قرآن کریم
- مواجهه با بحران امنیت - اجتماعی در سنت حضرت موسی(ع) از منظر قرآن کریم

## سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم

یکی از طرح‌های پژوهشی که در گروه علوم اجتماعی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مورد مطالعه و بررسی نگارنده قرار گرفته است، «اجتماعیات در قرآن کریم» می‌باشد. منظور این است که واژه‌ها و آیات قرآنی که بیانگر جوانب مختلف زندگی اجتماعی هستند مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرند، تا ان شاء الله کوششی باشد در جهت دستیابی به نظریات جامعه‌شناختی اسلام و مشخص شدن چهارچوب نظری «جامعه اسلامی».

به عنوان اولین گام، موضوعی که مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت، سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم است. در این مقاله سعی بر معرفی خلاصه و چکیده‌ای از آنچه در این تحقیق به دست آمده است، می‌باشد.

طبق نظر اسلام، جامعه انسانی همچون سایر مخلوقات الهی تحت سنن و قوانین معینی به حیات خویش ادامه می‌دهد، در اهمیت شناخت این «سنن» و خصوصیات آن، جای هیچ‌گونه شکی نیست. از آنجا که جامعه‌مایک جامعه اسلامی است و در جهت رسیدن به مدینه فاضله اسلام در حرکت می‌باشد، شناختن این سنت‌ها، واجب می‌باشد با شناخت این سنن و قوانین است که جامعه اسلامی می‌تواند راه صلاح را از فساد تشخیص بدهد و به هدف والای خود که همان آرمان‌های اسلامی در زندگی اجتماعی است نایل آید.

بدین منظور آیات قرآنی که به گونه‌ای بیان‌کننده سنت‌های اجتماعی می‌باشند،

استخراج و با توجه به محتواتقسیم بندی و طبقه بندی شده است و سنتهای مختلف اجتماعی همراه با خصوصیات آنها مشخص شده و مورد مطالعه قرار گرفته اند، ضمناً در تفسیر آیات مورد مطالعه، از تفاسیر المیزان، مجمع البیان و المنار استفاده شده است. گزارش نهایی تحقیق شامل فصول زیر می باشد:

مقدمه

فصل اول - بحثی در قانونمندی جامعه

فصل دوم - سنت اختیار و مسؤولیت انسان

فصل سوم - سنت ظهور و سقوط امتها

فصل چهارم - سنت ارسال رسل

فصل پنجم - سنت هدایت و اضلال الهی

فصل ششم - سنت پیروزی حق بر باطل

فصل هفتم - سنت مجازات

فصل هشتم - سنت مهلت دادن

فصل نهم - سنت امتحان و ابتلا

فصل دهم - سنت عبرت آموزی

نتیجه

اکنون به معرفی مختصر مباحث فوق می پردازیم:

آنچه در مقدمه کتاب آمده است، اهمیت و هدف موضوع مورد بحث و اشاره به روش مورد استفاده در پژوهش می باشد.

### بحثی در قانونمندی جامعه

یکی از موضوعات مورد بحث در جامعه شناسی، قانونمندی بودن جامعه ها

می باشد، معدودی از جامعه شناسان به صورتی منکر وجود قوانین اجتماعی هستند و یا اگر به وجود چنین قوانینی معتقدند، آنها را از نوع قوانین دقیق علمی نمی پندارند، عده دیگری از جامعه شناسان که شاید بتوان گفت اکثریت قریب به اتفاق آنانند، قانونمند بودن جوامع را باور داشته ولی برداشت آنها نسبت به قوانین اجتماعی متفاوت است. جامعه شناسان از این لحاظ به گروههایی چند تقسیم می شوند، عمده ترین برداشتها و این گروهها عبارتند از:

- ۱ - عده ای «قانونمندی» جامعه را یا صریحاً و یا تلویحاً نفی کرده اند و فقط تاریخ را قانونمند و علمی می دانند.
- ۲ - جمعی به نحوی جامعه را قانونمند می دانند، اما عقیده دارند که «قوانین اجتماعی» از «قوانین تاریخی» که مورد تحقیق فیلسوف تاریخ است، متمایزند.
- ۳ - عده ای هر دو را قانونمند می دانند و اما اصالت را به فلسفه تاریخ می دهند.
- ۴ - گروه دیگری قائل به قانونمندی جامعه اند و در صدد جدا ساختن جامعه شناسی از فلسفه تاریخ نیستند.

۵ - عده ای قائل به نسبت قوانین اجتماعی و تاریخی می باشند.

اسلام، معتقد به وجود قوانین اجتماعی است. آیات و روایات متعددی در این زمینه وجود دارد علاوه بر این نصوص، دلایل عقلی نیز حکم بر وجود قانون در زندگی اجتماعی می کند. واژه خاصی که در متون اسلامی برای قانونمندی جامعه و تاریخ به کار می رود «سنت» است. برخی از سنن الهی در قرآن کریم با همین لفظ مشخص شده اند ولی هستند آیاتی که اگرچه این واژه در آنها به کار نرفته ولی بیان کننده نوعی از سنن الهی هستند. آنچه مورد بحث و مطالعه ما قرار می گیرد سنت‌های اجتماعی که دسته ای از سنن الهی هستند، می باشد. ویژگیهای آن سنتها عبارتند از:

- ۱ - عمومیت داشتن - این سنتها فراگیر بوده و قابل تخلف نیستند.

- ۲ - عدم تبدیل و تحویل پذیری.
- ۳ - خدائی بودن - سنن الهی و از آن جمله قانونمندیهای اجتماع «سنة الله» اند.
- ۴ - آزاد و مختار بودن انسانها - وجود سنن الهی به معنای وجود جبر و نبودن اختیار نیست.
- ۵ - اجتماعی بودن - زمینه عمل این سنتها جامعه است و از حدّ فاعل آن درمی گذرد.
- ۶ - این جهانی بودن - سنن اجتماعی اختصاص به این جهان دارند.
- ۷ - صلاح اندیشی - هدف سنن الهی این است که جهان را به مصلحت هدایت کند.

### سنت اختیار و مسؤولیت انسان

ادعای وجود سنتهای الهی در زندگی اجتماعی ممکن است موجب بروز این شبهه شود که انسان موجودی بدون اختیار و مجبور می باشد، برای رفع این شبهه یا وجود آن و روشن شدن جایگاه جبر و اختیار در زندگی انسان، متفکرین اسلامی به مباحث مفصلی پرداخته و به خصوص فلاسفه و متکلمین نظرهای مشروح و متفاوتی در این زمینه ابراز داشته اند که به صورت «امر بین الامرین» مورد قبول امامیه قرار گرفته است. به منظور پاسخ به شبهه فوق، ما از موضوع مورد بحث خود استفاده کرده، مختار بودن و مسؤولیت انسان در قبال زندگی اجتماعی را به عنوان یکی از سنتهای الهی مورد بحث قرار داده ایم.

نمونه هایی از آیاتی که مورد بحث ما قرار گرفته اند، عبارتند از:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ (رعد: ۱۱).

بر مبنای آیه فوق، ایجاد هر نوع تغییری در احوال جوامع و امتهای بستگی به

تغییری دارد که مردم آن جوامع در احوال فردی خویش به وجود بیاورند. زمینه ایجاد سعادت و شقاوت، نعمت و نعمت، نجات و هلاکت مردم جوامع مختلف را خود آن مردم به وجود می‌آورند:

ظهر الفساد فی البرّ والبرّ بما کسبت ایدی الناس (روم: ۴۱).

فساد و پریشانی به کرده خود مردم در همه بر و بحر زمین پدید آمد.

یکی از سنن الهی درباره همین موضوع، سنت ارسال رسل از طرف خداوند متعال برای هر امتی است، خداوند به منظور هدایت هر امتی پیامبری فرستاده است تا آن امت را هدایت کند و پس از بعثت پیامبر است که برخی از مردم هدایت می‌شوند و گروهی به راه ضلالت می‌روند. بنابراین خداوند امکان هدایت مردم را فراهم ساخته و این خود مردمند که پس از اتمام حجت راه صواب یا ناصواب را اختیار می‌کنند:

ولقد بعثنا فی کلّ امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت فمنهم من هدی الله و منهم من حقّت علیه الضلالة (نحل: ۳۶).

و ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم تا به خلق ابلاغ کند که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونیان دوری کنید پس (در نتیجه دعوت رسول) بعضی مردم را خدا هدایت کرد و بعضی دیگر در ضلالت و گمراهی ثابت ماندند.

بر اساس آیاتی که مورد مطالعه ما قرار گرفته است مشخص می‌شود که انسانها در زندگی خود مجبور نبوده‌اند بلکه دارای نوعی اختیار هستند و نسبت به کارهای خود مسؤول می‌باشند و وجود سنن الهی به معنای وجود قوانین و مقررات جبر مآبانه ای نیست که انسانها نتوانند از آنها به هیچ وجه تخلف کرده و کاملاً مطیع و فرمانبردار آنها باشند. انسان می‌تواند بر اساس سنن الهی با همان سنت‌های حقّه الهی مخالفت کرده به طور موقت هم که شده امیال و هواهای نفسانی خود را اطاعت کند.

### سنت ظهور و سقوط امتها

یکی از سنن الهی این است که هر امتی دارای سرنوشت و مدت دوام مشخص و معینی است. خداوند برای هر امت، دوره‌ای را معین فرموده که پس از سپری شدن این دوره از بین خواهد رفت. بنابراین طبق سنن الهی، امتها به وجود می‌آیند و دورانی را به حالات مختلف توحید، شرک، کفر و مانند اینها می‌گذرانند و دچار تحولاتی می‌شوند و از بین می‌روند:

و لکلّ امةٍ اجلٌ فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعةً ولا يستقدمون (اعراف: ۳۴).  
هر قومی را دوره و اجل معینی است که چون فرا رسد لحظه‌ای پس و پیش یا تقدیم و تأخیر نتوانند کرد.

وإن من قريةٍ آلا نحن مهلكوها قبل يوم القيمة او معذبوها عذاباً شديداً كان ذلك في الكتاب مسطورا (بنی اسرائیل: ۵۸).  
هیچ شهر و دیاری در روی زمین نیست جز آنکه پیش از ظهور قیامت اهل آن شهر را یا هلاک یا به عذاب سخت معذب می‌کنیم. این حکم در کتاب ازلی خدا ثبت یا نقش است.

این سنت بیانگر نظر اسلام در مورد تحولات تاریخ است که نوعی نظریه دورانی (Cyclic) تاریخ را تأیید می‌کند یعنی طبق سنن الهی، امتها به وجود می‌آیند و دورانی را در حالات مختلف می‌گذرانند و از بین می‌روند اما در نهایت جامعه‌ای ایجاد خواهد شد که لبریز از عدل و برابری و تأمین‌کننده کمال و تعالی انسان است.

### سنت ارسال رسل

یکی از سننهای الهی این است که خداوند متعال در میان هر امتی پیامبری

برمی‌انگیزد تا آنان را به راه راست و دین حق هدایت کرده و از ضلالت و گمراهی برهاند. در نتیجه عده‌ای دعوت حق را قبول کرده هدایت می‌شوند و گروهی نیز راه گمراهی و ضلالت را می‌پیمایند. این جریان در مورد تمامی امتها صادق بوده است و اختصاص به جامعه معینی ندارد. اجرای این سنت در جهت اتمام حجت خداوند بر بندگانش می‌باشد و بنابراین سنت است که گفته می‌شود زمین هیچ‌گاه خالی از حجت نیست، همواره پیغمبر و یا هادی دیگری وجود دارد که به امر خدا مردم را به سوی حق هدایت کند و آنان را از گمراهی برهاند.

علی‌رغم این امر، همواره در امام و جوامع، گروهها و افرادی هستند که از دین حق پیروی نکرده به طغیان و گردنکشی می‌پردازند، این پدیده بیان‌کننده وجود نوعی اختیار و آزادی انسان در عمل اوست و روشن‌نگر این مطلب است که خداوند از بندگان خویش سلب اختیار نرموده، به علاوه به شکلی به عنایت و لطف خاص پروردگار نسبت به بندگانش منتهی می‌شود. این از الطاف بیکران خداوندی است که قید ارسال رسل و اتمام حجت را قبل از عذاب و هلاکت اقوام طاغی قرار داده است. و لکلّ امة رسول فاذا جاء رسولهم قضیٰ بينهم بالقسط و هم لایظلمون (یونس: ۴۷).

و برای هر امتی رسولی است که هرگاه رسول آنها آمد و حجت تمام شد (بر مؤمن و کافر) حکم به عدل شود و بر هیچ کس ستم نخواهد شد.

و لکلّ قوم هاد (رعد: ۷).

و هر قومی را راهنمایی است.

و ما اهلکنا من قرية الا لها منذرون (شعراء: ۲۰۸).

و ما اهل هیچ دیاری را تا رسولی به هدایت و اتمام حجت نفرستادیم هلاک

نکردیم.

### سنت هدایت و اضلال الهی

هدایت به معنای نشان دادن راه و یا نشان دادن هدف به انسانها و سنتی الهی است که اشعار بر الطاف بیکران خداوند نسبت به بندگانش دارد. هدایت پروردگار در معنای عمومی تمامی موجودات را شامل می شود، در صورتی که در معنای خاص شامل انسانهای خاصی (مؤمنان) می گردد.

در مقابل هدایت، ضلالت قرار دارد و آن به معنای گمراهی و اتخاذ راه و هدف، غیر از راه و هدفی که خداوند متعال به عنوان کمال مطلوب برای انسان تعیین کرده است، می باشد و در واقع پیروی از هوای نفس و شیطان را شامل می شود. هدایت و ضلالت هر کدام دارای اقسامی می باشند که با توجه به آیات قرآن و نظر مفسرین از هر کدام طبقه بندی هایی به عمل آمده است.

وسایل و راههای هدایت طبق آیات شریفه قرآن عبارتند از: قرآن، پیامبران الهی، آیات الهی، ابتلا و امتحان الهی، نحوه زندگی گذشتگان، مثل ها و شرح صدر.

هدایت و اضلال الهی هر کدام نتیجه خاصی در زندگی انسان برجای می گذارند که در سعادت یا شقاوت فرد و جامعه انسانی نمایان می شود.

### سنت پیروزی حق بر باطل

اراده خداوند بر پیروزی حق و شکست و نابودی باطل تعلق گرفته است و این اراده خداوندی یکی از سنتهای اوست. اگرچه خداوند با عنایت به الطاف بیکران خود تمامی بندگانش را مورد مرحمت قرار داده است و به آنها نعمات مادی و مواهب خویش را عطا می فرماید اما اگر بندگان ناسپاسی کردند و کفران نعمت به جای

آورند به دست خود نعمت را تبدیل به نعمت و خیر را تبدیل به شر می‌کنند و به‌عنوان مظاهر باطل عرض وجود می‌کنند. در اینجا است که سنت‌های الهی همواره در جهت پیروزی حق بر باطل بوده است و همین سنت دلالت بر هلاکت امم و جوامع ستمگر و کافر و پیروزی امم و جوامع مؤمن و متقی دارند:

کُتِبَ لِلَّهِ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (مجادله: ۲۱).

خدا (به لطف خود در لوح محفوظ) نگاشته و حتم گردانیده که البته من و رسولانم (به دشمنان) غالب شویم که خدا بی حد قوی و مقتدر است.

در جریان زمان، مقاطعی پیش می‌آید که - اگر چه به‌طور موقت - حق و طرفداران آن در اقلیت قرار می‌گیرند به صورت ظاهر باطل بر حق غلبه پیدا می‌کند. این سنت را خداوند در قرآن کریم بیان فرمود که: «تِلْكَ الْآيَاتُ نَدَاوِلَهَا بَيْنَ النَّاسِ» اما این امر به هیچ وجه به معنای شکست واقعی حق و پیروزی باطل نیست، چون سنت خداوند عکس این مطلب را افاده می‌کند. این تیز از سنن الهی است که حق را با باطل رو در رو می‌کند ولی همواره پیروزی را نصیب حق می‌فرماید. جالب اینجا است که درگیری حق با باطل ناگهانی صورت می‌گیرد، و آن وقتی است که دیگر کسی امید نمی‌برد که حق پیروز شده است و باطل از بین برود ولی این سنت همیشگی خداوند است که در درگیری بین حق و باطل، در چنین شرایطی ناگهان حق را پیروز کرده، باطل را نابود می‌فرماید:

إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلَهُ وَتِلْكَ الْآيَاتُ نَدَاوِلَهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ (آل عمران: ۱۴۱-۱۴۰).

اگر چه شما (در جنگ احد) آسیبی رسید به دشمنان شما نیز (در بدر) شکست و آسیبی سخت رسید چنان که آنها مقاومت کردند، شما نیز باید مقاومت کنید. این

روزگار را به اختلاف احوال (گاهی فتح و غلبه و گاهی شکست و مغلوبیت) میان خلائق می‌کنیم که مقام اهل ایمان به امتحان معلوم شود تا از شما مؤمنان آن را که ثابت در دین است گواه دیگران کند و خداوند ستمکاران را دوست ندارد و تا آنکه (به این اختلاف نیک و بد روزگار) اهل ایمان را از هر عیب و نقص پاک و کامل و کافران را به کیفر ستمکاری محو و نابود کند.

خداوند در آیات مختلفی وعده فرموده که مؤمنان را وارثان زمین کند:

وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا (نور: ۵۵).

و خدا به کسانی که از شما بندگان (به خدا و حجت عصر عیج) ایمان آورد و نیکوکار شود وعده فرموده که (در ظهور امام زمان عیج) در زمین خلافت دهد (و به جای امم سالفه حکومت و اقتدار بخشد) چنان که امم صالح پیامبران سلف جانشین پیامبران خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است) به همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد.

### سنت مجازات

در راستای سنت فوق، سنتی دیگر از سنن الهی قابل تشخیص است و آن عبارت است از خذلان و نابودی کافران و اهل ظلم و فساد و به بیانی تمامی کسانی که به نحوی از انحاء با پیروزی حق مقابله کرده سدی در راه پیشرفت اسلام به وجود آورده‌اند.

عمل این افراد ممکن است به صورت تکذیب انبیاء، ظلم به مردم، ظلم به

خود، اسراف در کفر، فساد عمومی، روابط اجتماعی مبتنی بر بی انصافی، طغیان در معیشت، تکذیب بعث و نشر در قیامت و ثواب و عقاب آخرت، طغیان بر خداوند، فراموشی موعظه‌های الهی و یا جلوه‌های دیگر ظلم و کفر و شرک بوده باشد.

آیاتی که بیانگر این سنت می‌باشند به چهار دسته به صورت زیر تقسیم شده‌اند. دسته اول: آیاتی که جنبه کلی داشته و سنت الهی هلاکت جوامع ظالم و کافر را بیان می‌دارند به عنوان نمونه:

و کم قصمنا من قرية كانت ظالمة و انشأنا بعدها قوماً آخرین (انبیاء: ۱۱).  
و چه بسیار مردم مقتدری در شهرها و دیارها بودند که ما به جرم ظلم و ستمکاری آنها را در هم شکسته و هلاک کردیم و قومی دیگر را به جای آنها بیافریدیم.

والذین کذبوا بآیاتنا سنستدرجهم من حیث لایعلمون (اعراف: ۱۸۲).  
و آنان که آیات ما را تکذیب کردند، به زودی به عذاب و هلاکت می‌افکنیم از جایی که فهم آن نمی‌کنند.

در این آیه، یک سنت دیگر خداوندی بیان شده است و آن سنت استدرج می‌باشد. منظور از این سنت این است که خداوند برای کافران نعمتها را پشت سرهم تجدید می‌کند تا بدین وسیله آنان با التذاذ به این نعمتها از ذکر پروردگار غافل شده و خداوند آنها را مورد امتحان قرار بدهد. و این غفلت آنها از یاد خدا موجب این می‌شود که اطمینان و آرامش دلهایشان را از دست بدهند و لذا بیش از پیش به اضطراب درونی دچار شوند و سرانجام به عذاب سخت ملحق شوند.

دسته دوم: آیاتی که بیانگر هلاکت اقوام و جوامعی می‌باشند که پیامبران الهی را تکذیب کرده‌اند و با آنها به مقابله پرداخته‌اند، به عنوان نمونه:

و کأین من قرية عتت عن امر ربها و رسله فحاسبناها حساباً شدیداً و عذبناها

عذاباً نکرا (طلاق: ۸).

و چه بسیار مردم دیاری که از امر خدا و رسولايش سرپیچیدند (و کافر شدند) ما هم آنان را به حساب سخت مؤاخذه کردیم و به عذاب شدید معذب ساختیم.  
فلما جاءهم نذیرٌ ما زادهم الا نفورا، استکباراً فی الارض و مکرالسیئ و لا یحیق المکرالسیئ الا باهله (فاطر: ۴۲).

و آنگاه که رسولی بر آنها آمد چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزودند، بدین جهت که می خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر (در اعمال بد) اندیشند و مکر زشت و فکر بدکاری جز صاحبش احدی را هلاک نخواهد کرد.

در این آیه سنتی دیگر از سنن اجتماعی خداوندی قابل تشخیص است و آن سنت مکر می باشد یعنی خداوند دل‌های آنها را علاقه مند و شیفته دنیا و شهوات مادی و ژیبایی‌های آن می سازد و سپس سنت استدراج را در موردشان به اجرا در می آورد.  
دسته سوم - آیاتی که سرنوشت هلاکت بار قوم خاص و معینی را بیان می کنند.  
در این قسمت آیات مربوط به سرنوشت اقوام: عاد، ثمود، ارم، فرعون، لوط، بنی اسرائیل مورد مطالعه و بحث قرار گرفته اند.

دسته چهارم - آیاتی که افراد و گروه‌های مخالف انبیاء و ادیان الهی را مشخص می کنند به عنوان نمونه:

و إذا أردنا أن نهلك قريةً أمرنا مترفיהا ففسقوا فیها فحرق علیها القول فدمرناها تدمیراً (بنی اسرائیل: ۱۶).

و ما چون اهل دیاری را بخواهیم (به کیفر گناه) هلاک سازیم پیشوایان و متعلمان آن شهر را امر کنیم (به طاعت، ولی آنها) راه فسق و تبهکاری و ظلم در آن دیار پیش گیرند و آنجا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت، آنگاه همه را (به جرم بدکاری) هلاک می سازیم.

### سنت مهلت دادن

یکی از سنن الهی در عذاب و نابودی جوامع کفر و شرک، مهلت دادن به آنها تا مدتی معین و سپس هلاکت آنان است. یعنی سنت الهی بدین قرار نیست که جوامع را بلافاصله پس از رواج ظلم، ستم، کفر و شرک هلاک نماید، بلکه مدتی بنابر اراده خویش به آنان مهلت می‌دهد تا آنان را آزموده و حجت را به آنها تمام فرماید و ضمناً در همین زندگی دنیا و لذت جوئی آنان از تنعمات مادی، آنها را به نوعی عذاب گرفتار کند. البته این سنت یکی از مظاهر الطاف خداوندی است:

و ربك الغفور ذوالرحمة، لو يؤاخذهم بما كسبوا لعجل لهم العذاب بل لهم موعد لمن يجدوا من دونه مؤثلاً (كهف: ۵۸).

خدای تودارای آمرزش و رحمت است و اگر خواهد تا خلق را به کردارشان مؤاخذه کند، همانا در عذابشان تعجیل کند و لیکن برای آن عذاب وقت معینی است که از آن هرگز پناه و گریزگاهی نخواهند یافت.

والذین کذبوا بآیاتنا سنستدرجهم من حیث لا یعلمون. و املی لهم إن کیدی متین (اعراف: ۱۸۲-۱۸۳).

و آنان که آیات ما را تکذیب کردند به زودی آنها را به عذاب و هلاکت می‌افکنیم از جایی که فهم آن نمی‌کنند، روزی چند به آنها مهلت می‌دهیم که همانا مکر و عقاب ما بس شدید به آنها رسد.

### سنت جانسین شدن مؤمنان پس از هلاکت کافران

به منظور پیروزی حق بر باطل و پس از هلاک کافران و ستمگران، این مؤمنان هستند که جانسین آنها می‌شوند، به عنوان نمونه از آیات مورد مطالعه:

و لقد اهلکنا القرون من قبلکم لما ظلموا و جاءتهم رسلهم بالبینات و ما کانوا لیؤمنوا کذلک نجزی القوم المجرمین. ثم جعلنا کم خلائف فی الارض من بعدهم لننظر کیف تعملون (یونس: ۱۳-۱۴).

و ما اقوام و مدلی را پیش از شما به کیفر ظلمشان سخت به دست هلاکت سپردیم و با آنکه پیمبران با آیات و معجزات بر آنها آمد باز هیچ ایمان نیاوردند ما هم این گونه مردم زشت بد عمل را به کیفر می رسانیم سپس ما بعد از (هلاک) آنها شما را در زمین جانشین کردیم تا بیازمائیم و بنگریم که تا چه عمل خواهید کرد.

### سنت امتحان و ابتلاء

یکی از سنن الهی که در ارتباط کامل با سایر سنن الهی بوده است و به عنوان مرحله ای از مراحل زندگی بشر می توان از آن یاد کرد، این است که خداوند متعال بندگان خویش را مورد آزمایش و امتحان قرار می دهد این سنت همانند سایر سنن الهی عمومیت داشته، هم در مورد امم کافر و مشرک و هم در مورد امتهای مؤمن و موحد مجرا است. امتحان مؤمن به سبب تمیز فضایل او از ردائش می باشد و امتحان کافر به منظور روشن شدن عمل و رفتار اوست. به همین وسیله افراد سعید به سعادت و اشقیاء به شقاوت می رسند و ضمناً این گروهها و یا منافقین در بوته آزمایش قرار گرفته عملشان مشخص می شود و در نتیجه سنن دیگر الهی اجرا می شود یعنی سنت پیروزی حق بر باطل و یا سنت نابودی و هلاکت مشرکین.

گفتیم علت وجود این سنت آشکار شدن نحوه رفتار مردم است تا در نتیجه خداوند اجر و جزاء آنها را عطا فرماید:

الذی خلق الموت والحیوة لیبلوکم ایتکم أحسنُ عملاً (ملک: ۲).

خدایی که مرگ و زندگی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام

نیکوکارتر (و خلوص اعمالش بیشتر) است.

سنت امتحان به لحاظ عمومیت تمامی افراد و گروه‌های اجتماعی را شامل می‌شود. بنابراین اولیاء خدا نیز از این امر مستثنی نیستند، آیات متعددی در قرآن در این زمینه نازل شده است. آیاتی که بیانگر اجرای سنت امتحان در مورد حضرت ابراهیم (ع)، حضرت داوود (ع)، حضرت سلیمان (ع)، و یا اقوام کافر و مسلم می‌باشند.

اسباب و وسایل امتحان متعدد و گوناگونند، انسانها یا به وسیله نعمات الهی مورد امتحان قرار می‌گیرند و یا به وسیله نقمات حضرت باری آزمایش می‌شوند. طبق آیات قرآن اسباب و وسایل امتحان عبارتند از:

زینتهای زمین، احکام کتاب الهی، شدائد و محن، آسایش و خوشی، داوری در اختلافات مردم، رسیدن ظاهری به مقام دنیوی، فضل پروردگار، معجزات و کارهای خارق العاده، نجات از طاغوت، نیکی‌ها و بدی‌ها، فسق و نافرمانی، ارسال رسل، فتنه‌انگیزی، تأخیر عذاب و مهلت دادن به کافران، محرّمات الهی، شکست و پیروزی، پیدایش اختلاف، ترس، گرسنگی، نقصان اموال و نفوس، مال و جان، مواهب مادی، القائنات شیطان، فرزندان، عهد و قسم، جنگ کفر و ایمان، و گروه‌های مختلف مردم و تفاوت مراتب آنها.

### سنت عبرت‌آموزی

از جمله اغراض بیان حال و سرنوشت جوامع گذشته، عبرت‌آموزی به امت‌های حال و آینده است و این یکی از سنت‌های الهی است که خداوند سنن خویش را برای بندگانش بیان می‌فرماید تا مردم هر عصری از آنها پند گرفته و خداوند از این طریق به صورتی با آنان اتمام حجت می‌فرماید.

و کم اهلکنا قبلهم من قرن هم أشد منهم بطشاً فنقّبوا فی البلاد، هل من محیص؟ إن فی ذلك لذکر لِمَن کان له قلبٌ او القی السمع و هو شهید (ق: ۳۶-۳۷).

و چقدر طوایفی را پیش از اینان هلاک گردانیدیم که با قهر و قوت تر از اینان بودند و در هر دیار راه جستند، آیا با همه نیرومندی‌شان راه نجاتی (از قهر حق بر خود) یافتند؟ در این هلاک پیشینیان پند و تذکر است آنرا که قلب هوشیاری باشد یا گوش دل به کلام حق فرا دهد و به حقایقش توجه کامل کند.

آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که انسانها را دعوت به «سیر فی الارض» و مشاهده و مطالعه احوال و سرنوشت جوامع گذشته می‌کند تا از این راه عبرت بگیرند، با شناخت حق از باطل به خود بیایند و از گرایش به باطل پرهیز کنند.

## مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

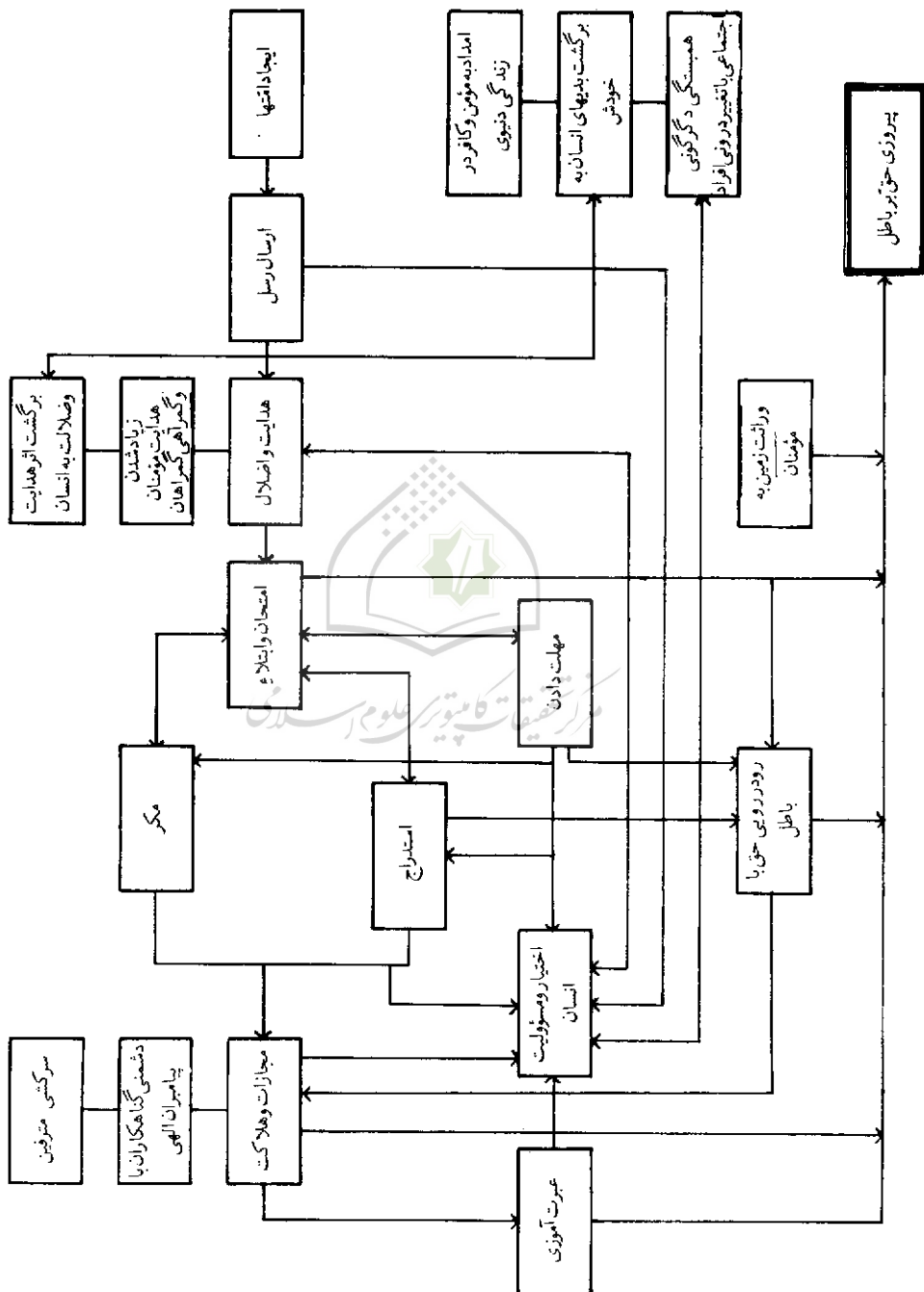
### نتیجه

بر اساس مطالب مورد بحث در این تحقیق، مشخص می‌شود که از نظر اسلام، جامعه دارای قوانین و سنتهای مشخص و معینی است و این سنتها و قوانین تغییرناپذیر بوده و بر کلیه امتهای و جوامع در تمامی زمانها و مکانها صدق می‌کنند.

نکته قابل توجه و مهم در سنتهای الهی این است که این سنن با هم ارتباط کامل و هماهنگ داشته و یکی پس از دیگری یا در نتیجه اجرای سنتهای دیگری به اجرا درمی‌آیند.

نمودار زیر نشانگر چگونگی ارتباط این سنتها با یکدیگر می‌باشد:

# نمودار ارتباط هماهنگ و متقابل سننهای اجتماعی در قرآن کریم



## منابع و مأخذ

- قرآن کریم  
 علامه طباطبائی: تفسیر المیزان.  
 علامه طبرسی: تفسیر مجمع البیان.  
 عبده: تفسیر المنار.  
 آیت الله سید محمد باقر صدر: سنتهای تاریخ در قرآن.  
 دفتر همکاری حوزه و دانشگاه: درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی.  
 علامه طباطبائی: اسلام و اجتماع.  
 ژرژ گوروچ: جبهه‌های اجتماعی و اختیاریا آزادی انسان، ترجمه حسن حبیبی.  
 محمد تقی حعفری: جبر و اختیار.  
 ابن خلدون: مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی.  
 شهید مطهری: نقدی بر مارکسیسم.  
 شهید مطهری: جامعه و تاریخ.  
 محسن مهدی: فلسفه تاریخ ابن خلدون.